

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

شنبه اول جنوری ۲۰۲۲

حمید انوری

## باران ماهی

امروز صبح در اخبار و گزارشات صبحگاهی امریکا به خبری برخوردیم که برایم سخت جالب و سوال برانگیز بود. این بود عنوان گزارش متذکره:

'This isn't a joke': It rained fish during a storm in Texas city

باران ماهی از آسمان:

برای منی بی خبر از همه جا، این گزارش سخت جالب بود، و اما فقط عنوان آنرا که خواندم، بدون آنکه مابقی آنرا مطالعه کنم، به یک فکر عمیق فرو رفتم.

در مخیله ام افغانستان مجسم شد که بیشتر از ۹۰ فیصد مردم مظلوم آن زیر خط فقر نفس میکشند.

"سازمان ملل: خط فقر در افغانستان به ۹۸ درصد خواهد رسید" رادیو آزادی

افغانستان عزیز و مردم عزیزتر از آن مانند یک فلم سینمایی از نظرم گذشت. فقر، مرض، بیکاری، بی خانمانی، آوارگی، جنگ، در به دری،



ظلم، چور و چپاول، و...، همه و همه، یک به

یک در مقابل نمایان شد، با خود اندیشیدم و به

این فکر اندر شدم که خدایا! چه میشود اگر

یک روزی از روزها، در یک قریه و ده، و

ولسوالی و شهری از شهرهای افغانستان

عزیز هم از آسمان، بجای بم و راکت و گلوله و باروت و خون و خاکستر و خاک، ماهی ببارد تا

هموطنان مظلوم و بیچاره ما لافل بعد از سالیان متمادی گرسنگی کشیدن و حتی دود کباب و عطر

گوشت را نه شمیدن، شکم سیر ماهی نوش جان کنند و برای زمستانهای سرد خود هم مقداری

ماهی خشک کنند تا فرزندان شان در قعر زمستان از گرسنگی و بی نانی تلف نشوند.

با این فکر و خیال اندر شدم و رفتم به کلبه های ویران یک مشت آواره و در به در و خاک به سر هموطن که سال هاست روی گوشت را ندیده اند که هیچ؛ حتی نام گوشت هم دیگر برای شان آشنا نیست و در بهترین حالت، روز عید و جشن نوروز و شب برات شان، همان روزی است که یک لقمه پیافه ای کچالو و یا شلغم با نیم نان باسی برای اطفال قد و نیم قد خود فراهم توانسته باشند. این فکر و خیال مرا چنان در خود غرق کرد و از خود بیخود که برای ساعاتی فراموش کردم تا گزارش را تا اخیر بخوانم.

و اما بعدترک که بخود آمدم و متوجه شدم که "ما کجائیم در این بحر تفکر، تو کجا"، به این اندیشه اندر شدم تا به چند و چون راز این "باران ماهی" پی ببرم، باز هم نظر به همان تعریف ساده "کوتاه ترین فاصله بین دو نقطه را خط مستقیم گویند"، که در صنوف ابتدائی در وطن آموخته ایم، رفتم سراغ "گوگل" و دیدم که برایم صفحات متعددی گشوده شد و از لابلای آنها دانسته شدم که این "باران ماهی از آسمان" اتفاق تازه نیست و سابقه طولانی داشته است. سال های قبل در تایلند و هندوراس و ایران و... هم اتفاق افتاده است.

"... از سال ۱۹۹۸ هر ساله در هندوراس طی زمان معین باران ماهی های زنده می بارد! مردم ماهی ها را جمع کرده و با آنها غذا می پزند، فستیوالی هم در این مورد در همان زمان برگزار می شود!" منبع انترنت

در بعضی سایت های دیگر گزارش داده شده است که این ماهی ها به شکل جامد (یخ زده) فرود می آیند، اما در دیگر گزارش ها از منابع دیگر، چیزی در مورد (یخ زده) بودن ماهی ها تذکر داده نشده است.

حس کنجکاوی که در اکثر انسانها وجود دارد، مرا واداشت تا در قسمت چند و چون و علل این چنین اتفاقات بیشتر کند و کاو کنم.

"... محققان علت این رویداد را طوفان یا گردباد شدید می دانند.

آنها معتقدند که گردباد یا طوفان شدید در دریا (بحر) باعث میشود ماهیان به هوا برده شده و در ارتفاعات زیاد قرار بگیرند و تا حدودی معلق شوند.

آنها از طریق طوفان جا به جا شده و بعداً در جای دیگری بر اثر جاذبه زمین سقوط میکنند.

و اینطور به نظر می رسد که بارش ماهی یا هر جانور دیگری در حال اتفاق است.

این رویداد برای محصولات زراعتی، جانوران کوچک و سبک زیاد رخ میدهد."

پس دیده می شود که این پدیده یا اتفاق غیر منتظره، بیشتر در کشور هائی رخ می دهد که به بحر راه داشته باشند، من اما نمی دانم که چنین اتفاقی در هند یا پاکستان هم رخ داده است یا خیر. در ایران اما چند باری که اتفاق افتاده



است، نظر به گزارشات گوگل، اکثراً بقیه باریده است.

پس چون افغانستان به بحر راه ندارد، از باران ماهی و بقیه هم خبری نیست که نیست. از آسمان سرزمین دربند کشیده شده ما با درد و دریغ که همیشه دود و باروت و درد و مرض باریده است. باران و برف افغانستان هم در سالیان پسین همیشه رنگ خون داشته است. من اما نمی دانم که " باران رحمت" هم روزی خواهد بارید یا خیر. ما از باران ماهی گذشتیم، در رحمتی بگشا!  
به گفته شاعر:

از خدا برگشتگان را کار چندان سخت نیست  
سخت کار ما بود، کز ما خدا برگشته است

